

چکیده

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»^۱، مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را برپا دارند و زکات را پردازند و جز از خدا نترسند، امید است چنین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند.

حضور در مسجد از مصادیق مهم و اصلی آباد نگه‌داشتن آن است و بدون آن مسجد از اساس فاقد عمران و آبادی خواهد بود. از این رو، در روایت، به مسجدهایی که مسلمانان رها کرده‌اند و در آن نماز نمی‌گزارند، مسجد خراب گفته‌اند.^۲ در بررسی کلمه‌ها و عبارات‌های قرآن کریم و نیز سنت، نکته‌ی مهم درباره‌ی مسجد این است که پیشوایان دین اسلام بر رفت‌وآمد به مسجد و انس گرفتن با خانه‌ی خدا تأکید زیادی کرده‌اند؛ تا آنجا که فقهای اسلام با استناد به همین تأکیدها گفته‌اند: در شرع مقدس اسلام، سفارش فراوانی شده است که نماز را در مسجد بخوانند. از نگاه روایات، این مسجدها به ترتیب بهترین مساجد هستند: مسجد الحرام، مسجد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، مسجد کوفه، مسجد بیت‌المقدس، مسجد جامع شهر، مسجد محله و سپس مسجد بازار (مسلمانان).^۳ در این نوشته، با توجه به منابع اسلامی، به ده موضوع درباره‌ی مسجد می‌پردازیم.

۱. مسجد مرکز پرستش خالصانه

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۴، مساجد ویژه‌ی خداست؛ پس هیچ‌کس را با خدا مخوانید.

درباره‌ی این آیه، برخی این‌گونه گفته‌اند: «وَلِأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا». بنابراین، لام در لَأَنَّ دلیل برای لا

۱. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۸

۲. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۴.

۳. رساله‌ی توضیح المسائل امام خمینی قدس سره، مسئله‌ی ۸۹۳

۴. سوره‌ی جن، آیه‌ی ۱۸

تدعوا است، یعنی هیچ کس را با خدا در مسجدها نخوانید؛ زیرا مساجد مخصوص خدا و عبادت اوست.^۱

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیثی قدسی می فرماید:

«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدِ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسْجِدُ بَيْتَهُ أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَيَّ الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ أَلَا بَشَرِ الْمَشَاءِ بَيْنَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسْجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، خداوند متعال می فرماید: خانه های من در زمین همان مساجد است که برای اهل آسمان می درخشند؛ آن گونه که ستارگان برای اهل زمین می درخشند. خوشا به حال آنان که مساجد را خانه های خویش قرار داده اند. خوشا به حال بنده ای که در خانه ای خویش وضو می گیرد؛ آنگاه مرا در خانه ام زیارت می کند. آگاه باشید که بر زیارت شونده لازم است که زائر خویش را بزرگ شمرد و به وی احسان کند. کسانی را که در دل تاریکی شب به سوی مساجد گام برمی دارند، به نوری درخشان در روز قیامت بشارت دهید.^۲

همان گونه که ملاحظه می کنید در این آیه به انسانی زائر خدا گفته می شود که به مسجد رفت و آمد می کند. بنابراین، مسجد یعنی محل زیارت خداوند متعال و مکانی که در آن انسان با انجام عبادت های خالصانه خویش، به سوی تقرب به حق تعالی می رود. ملکوت این عبادت و این حضور خالصانه در مسجد به صورت نوری است درخشان در تاریکی های عالم قیامت. تشبیه مساجد به ستاره های درخشان آسمان نیز به همین معنا اشاره می کند. شاید این تشبیه به این معنا باشد: همان گونه که ستاره ها در دل تاریکی شب مایه ی زینت آسمان و نیز وسیله ای برای راهیابی و هدایت هستند، مسجدها نیز مایه ی زینت عالم خاک و نیز انوار هدایت الهی برای سعادت مردمان هستند. شاید نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز به همین امر اشاره می فرماید: «الْمَسْجِدُ أُنْوَارُ اللَّهِ»، مساجد انوار الهی هستند.^۳

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به ابوذر فرمود:

«يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَفَسَّتَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ وَ

^۱ . تفسیر جوامع الجامع، ج ۶، ص ۴۵۷.

^۲ . وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸. المحاسن، ج ۱، ص ۴۷.

^۳ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۵.

تُصَلِّي عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَ تُكْتَبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنَفَّسَتْ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ تُمَحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ»، ای ابوذر! تازمانی که در مسجد نشسته‌ای خدای تعالی به تعداد هر نفسی که می‌کشی یک درجه در بهشت به تو می‌دهد و فرشتگان بر تو درود می‌فرستند و برای هر نفسی که در مسجد می‌کشی ده حسنه برایت نوشته می‌شود و ده گناه از تو پاک می‌گردد.^۱

ایشان همچنین فرموده‌اند:

«الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ أَنْتِظَارَ الصَّلَاةِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُحْدِثْ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا يُحْدِثُ قَالَ الْإِعْتِيَابُ»،
نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت است؛ مادام که حدیثی سرنزده باشد. پرسیدند: یا رسول الله! حدیث چیست؟ فرمود: غیبت کردن.^۲

امام صادق (علیه‌السلام)، در حدیثی طولانی، آداب مراقبت از مسجدها را این گونه بیان کردند:

«هر گاه به در مسجد رسیدی، بدان که تو به آستان خانهای پادشاهی بزرگ و پرشکوه آمده‌ای که جز پاکان بر بساط او قدم نگذارند و اجازه‌ی نشستن در مجلس او جز به صدیقان داده نشود. وانگهی، تو بر بساط خدمتگزاری و چاکری پادشاه قدم گذاشته‌ای؛ پس اگر از هیبت و شکوه پادشاه غافل مانی، خطری بزرگ تو را تهدید می‌کند. در پیشگاه او به ناتوانی و تقصیر و درویشی خود اعتراف کن؛ زیرا تو برای پرستش و همدمی با او آمده‌ای. رازهایت را با او در میان نه و بدان که اسرار درون خلائق همگی یا آشکارشان بر او پوشیده نیست. در برابر او همچون درویش‌ترین بندگان باش و دلت را از هر علقه و دل‌مشغولی که حجاب میان تو و پروردگارت شود خالی کن؛ زیرا که او جز پاک‌ترین و خالص‌ترین را نمی‌پذیرد. بنگر که از کدام دیوان نامت بیرون می‌آید؛ اگر حلاوت مناجات با او و لذت گفتگو با وی را چشیدی و بر اثر رویکرد او به تو و اجابتش جام رحمت و کرامت او را سر کشیدی، هر آینه لایق چاکری و خدمتگزاری او شده‌ای. اینک به مسجد درآی که در امن و امان خواهی بود».^۳

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۰.

۲. امالی صدوق، ص ۴۲۰.

۳. بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۳.

۲. مسجد مرکز ذکر و یاد الهی

قرآن کریم می‌فرماید:

«...وَأُولَئِكَ دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَيَنْصُرُهُ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۱ و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله‌ی بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصاری و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود ویران می‌گردد و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آئینش) دفاع کنند، یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

در برخی از روایت‌ها، مسجد را بازار آخرت نامیده‌اند؛ یعنی همان‌گونه که بازار محل خرید و فروش مادیات است، مسجد نیز محل کسب امور معنوی و اسبابی است که برای سرای آخرت کاربرد و تأثیر دارد. در حدیثی از حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمده است:

«الْمَسَاجِدُ سُوقٌ مِنَ الْأَسْوَاقِ الْآخِرَةِ، قَرَأَهَا الْمَغْفِرَةُ، وَ تَحَفَّتْهَا الْجَنَّةُ»، مساجد بازاری از بازارهای آخرت است. از کسانی که به آن وارد می‌شوند با مغفرت پذیرایی می‌شود و هدیه‌ی آنان بهشت است.^۲

مؤمن بیش از هر چیزی به اسباب و مقدماتی اهمیت می‌دهد که در آخرت به آن‌ها نیاز دارد. شوق و انس وی به بازار آخرت (مسجد) به مراتب بیش از علاقه‌ی او به بازارهای دنیاست. بنابراین، مؤمنان باید هنگام رفتن به مسجد، بر دیگران پیشی بگیرند و هنگام خروج، دیرتر از همه مسجد را ترک کنند. امام باقر (علیه‌السلام) از پدران خویش و آنان نیز از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل کرده‌اند:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِيَجْبُرَيْلَ - أَيُّ الْبِقَاعِ أَحَبُّ إِلَيَّ تَعَالَى قَالَ الْمَسَاجِدُ وَأَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَيَّ اللَّهُ أَوْلَهُمْ دُخُولًا إِلَيْهَا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا قَالَ فَأَيُّ الْبِقَاعِ أَبْغَضُ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ الْأَسْوَاقُ وَ أَبْغَضُ أَهْلِهَا إِلَيْهِ أَوْلَهُمْ دُخُولًا إِلَيْهَا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا»، آن حضرت از جبرئیل (علیه‌السلام) سؤال کرد: کدام مکان نزد خداوند محبوب‌تر است؟ جبرئیل عرض کرد: مسجد و دوست‌داشتنی‌ترین اهل مسجد نیز کسی است که پیش از همه به مسجد داخل و پس از همه از مسجد خارج شود.

^۱. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰

^۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: کدام مکان‌ها نزد خدا مبعوض‌ترین است؟ جبرئیل عرض کرد: بازار و مبعوض‌ترین اهل آن نزد خداوند کسی است که قبل از همه به بازار وارد و پس از همه از آن خارج شود.^۱

در برخی روایت‌ها آنان را که در رفتن به مسجد شتاب می‌کنند و گوی سبقت را از دیگران می‌برند، پرچم‌دار بهشتیان می‌دانند که در روز قیامت پیش از دیگران به بهشت وارد می‌شوند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خطاب به ابوذر می‌فرماید:

«يَا أَبَا ذَرٍّ، طُوبَى لِأَصْحَابِ الْأَلْوِيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَحْمِلُونَهَا فَيَسْبِقُونَ النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ، أَلَا وَهُمْ السَّابِقُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالسَّحَارِ وَغَيْرِهَا»، ای ابوذر! خوشا به حال پرچم‌داران روز قیامت که پرچم‌ها را به دوش گرفته و پیش از دیگران به بهشت وارد می‌شوند. آنان همان کسانی هستند که در سحرگاهان و دیگر اوقات، در رفتن به مسجد بر دیگران پیشی می‌گیرند.^۲

رفتن به مسجد موجب پاک‌شدن گناهان می‌شود. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«عَلَيْكُمْ بِإِيْتَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بَيْتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ آتَاهَا مُنْتَظِرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَكُتِبَ مِنْ زُورِهِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَالِدُّعَاءِ»، به مساجد بروید؛ زیرا مساجد خانه‌های خدا در روی زمین هستند. هر کس پاک و پاکیزه وارد مسجد شود، خداوند او را از گناهانش پاک گرداند و در زمره‌ی زائران خود قلمدادش کند؛ پس در مساجد نماز و دعا بسیار بگزارید.^۳

ثواب رفتن به مسجد برای شرکت در نماز جماعت آن‌قدر زیاد است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

فرمود:

«مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ وَإِنْ مَاتَ وَهُوَ عَلَى ذَلِكَ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَعُودُونَ فِي قَبْرِهِ وَ يُؤَنَسُونَ فِي وَحْدَتِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ»، هر کس برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی رود، برای هر قدمی که بر می‌دارد هفتاد هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه درجاتش بالا رود

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۶۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۳.

۳. امالی صدوق، ص ۳۵۹.

و اگر در آن حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بگمارد که در قبرش به عیادت او روند و انیس تنهایی او باشند و تا زمانی که برانگیخته شود، برایش آمرزش طلبند.^۱

همچنین، از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

«كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلَّا ثَلَاثَةٌ قِرَاءَةٌ مُصَلٍّ أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ أَوْ سَائِلٌ عَنِ عِلْمٍ»، هر نشستی در مسجد لغو و بیهوده است، مگر نشستن سه کس: نمازگزاری که (قرآن) قرائت کند، کسی که ذکر خدا بگوید و کسی که به دنبال دانشی باشد.^۲

شایسته نیست مسلمانی از مسجدی عبور کند و در آن نماز نخواند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:
«لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا حَتَّى تُصَلُّوا فِيهَا رَكَعَتَيْنِ»، مسجدها را گذرگاه خود قرار ندهید؛ مگر آنکه دو رکعت نماز در آن بخوانید.^۳

حضرت علی (علیه السلام) نیز می فرماید:

«مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: إِمَّا أَخَا مُسْتَفَادٍ فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَطْرَفًا، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ رَدْيٍ، أَوْ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى، أَوْ تَرَكَ ذَنْبٍ خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً»، هر کس به مسجد رفت و آمد کند، به یکی از این هشت چیز دست یابد: برادر دینی سودمند، دانشی جدید، آیتی محکم و استوار، رحمتی منتظره، سخنی که او را از هلاکت برهاند، شنیدن جمله‌ای که او را به راه راست هدایت کند یا آنکه گناهی را از ترس یا شرم ترک گوید.^۴
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«يَا فَضْلُ، إِنَّهُ لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقَلِّ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَإِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيَصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَإِمَّا أَخٍ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ)»، کسی که به مسجد می رود، دست کم با یکی از این سه چیز به خانه اش برمی گردد: دعایی که به درگاه خدا می کند و خدا با آن او را به بهشت می برد؛ دعایی که به سبب آن خداوند بلای دنیا را از او

۱. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۰.

۳. امالی صدوق، ص ۴۲۲.

۴. همان، ص ۴۳۲.

برمی گرداند؛ یا برادری که در راه خدای عزوجل، از وجودش بهره مند می شود.^۱

۳. بزرگ ترین ظلم جلوگیری از یاد خدا در مسجد

قرآن کریم می فرماید:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا»، کیست ستمکارتر از آن

کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟^۲

و همچنین:

«کسی که برای تخریب و ویرانی مساجد (از یاد خدا در مساجد جلوگیری) تلاش می کند، ظالم ترین انسان است، به قرینه‌ی تقابل روشن می شود کسی که در عمران و آبادی مساجد تلاش می کند، در بهترین وضعیت ایمانی به سر می برد».^۳ خرابی و ویرانی مسجد به تخریب فیزیکی منحصر نمی شود که کسی مسجدی را خراب کند و به جای آن منزل یا مغازه بسازد؛ بل هر برنامه‌ای که از رونق مسجد بکاهد، تلاش در ویرانی مسجد به شمار می رود.^۴ از این آیه، نتیجه می گیریم ظالم ترین فرد کسی است که نه خود به مسجد می رود و نه می گذارد دیگران به مسجد روند. به طور قطع، این افراد یا منافق هستند یا مشرک یا کافر. هشدارهای اهل بیت (علیهم السلام) نقش مسجد را به خوبی گوشزد کرده است. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«شَكَتِ الْمَسَاجِدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَهَا مِنْ جِيرَانِهَا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا قَبْلَتْ لَهُمْ صَلَاةً وَاحِدَةً وَلَا أَظْهَرْتُ لَهُمْ فِي النَّاسِ عَدَالَةً وَلَا نَالَتْهُمْ رَحْمَتِي وَلَا جَاوَرُونِي فِي جَنَّتِي»، مسجدها از حاضر نشدن همسایگان در خود به درگاه خدای تعالی شکایت کردند، خداوند عزوجل به آنها وحی فرمود: به عزت و جلالم سوگند! که حتی یک نماز آنان را نپذیرم، عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم، رحمت من به آنان نرسد و همسایه‌ی من در بهشت نشوند.^۵

۱. امالی طوسی، ص ۴۷.

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۴.

۳. تفسیر کبیر، ج ۴، ص ۱۲.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱۱.

۵. بحارالانوار، ۸۰، ص ۳۳۹.

در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است:

«ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْجِدَ خَرَابٍ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ وَعَالِمٌ بَيْنَ جُهَالٍ وَ مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ غُبَارٌ لَا يُقْرَأُ فِيهِ»، سه چیز نزد خدای عزوجل شکایت می‌کنند: مسجد خرابی که اهالی اش در آن نماز نخوانند، دانشمندی که در میان عده‌ای نادان قرار گرفته باشد و قرآنی که در کنار طاقچه‌ها گذاشته شده و غبار رویش را گرفته باشد و کسی آن را نخواند.^۱

۴. لزوم انگیزه‌های صحیح در مسجدسازی

قرآن کریم می‌فرماید:

«... لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ أَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ...»، ... آن مسجدی که از روز نخست بر پایه‌ی تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی در آن مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد. آیا کسی که شالوده‌ی آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده است، بهتر است یا...؟^۲

مسجدسازی عملی عبادی است و صرف ساختن بنای مسجد، بدون قصد قربت، مطلوب و مقبول در گاه الهی نیست. آیه‌ها و روایت‌هایی که ساختن و تعمیر مسجد را فضیلتی بزرگ می‌دانند، ناظر بر مسجدهایی است که ساختن آن‌ها برخاسته از انگیزه‌های الهی باشد؛ در نتیجه، لازم است مسجد براساس تقوا و رضایت الهی بنا شود. در روایت‌های موجود (در کتب عامه و خاصه)، تصریح شده است ثواب مسجدسازی از آن کسانی است که با انگیزه‌های سالم مسجد می‌سازند.

نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«بَنَى مَسْجِدًا لِيَذُكَرَ اللَّهُ فِيهِ نَبِيٌّ لَهُ نَبِيٌّ فِي الْجَنَّةِ»، هر کس مسجدی بسازد به قصد اینکه در آن خدا یاد بشود، خانه‌ای در بهشت برای او ساخته می‌شود.^۳

در روایتی دیگر نیز فرمود:

۱. خصال، ص ۱۴۲.

۲. سوره توبه، قسمتی از آیه‌های ۱۰۹ و ۱۰۸.

۳. روضه الواعظین نیشابوری، ص ۳۷.

«مَنْ بُنِيَ مَسْجِدًا لِلَّهِ بُنِيَ اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَهُ»، کسی که مسجدی را برای خدا بنا نماید، خداوند خانه‌ای مانند آن در بهشت برای وی بنا خواهد نمود.^۱

در برخی روایت‌ها، خارج شدن مسجدسازی از حالت عبادی و تبدیل شدن آن به عملی که مایه‌ی فخر باشد نهی شده است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) انحراف امت در این زمینه را نشانه‌ی برپایی قیامت می‌داند:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَتَبَاهَى النَّاسُ بِالْمَسَاجِدِ»، از نشانه‌های قیامت آن است که مردم مسجد را وسیله‌ی فخرفروشی قرار می‌دهند.^۲

اساساً، در روایت‌ها، ساختن هر بنایی نفی شده است که با انگیزه‌ی فخر و مباحات باشد. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود:

«وَمَنْ بَنَى بُيُوتًا رِيَاءً وَ سَمِعَهُ حَمَلَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ وَ هُوَ نَارٌ يَشْتَعِلُ مِنْهُ ثُمَّ يُطَوَّقُ فِي عُنُقِهِ وَ يُلْقَى فِي النَّارِ فَلَا يَحْبِسُهُ شَيْءٌ مِنْهَا دُونَ قَعْرِهَا إِلَّا أَنْ يَتُوبَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ - كَيْفَ يَبْنِي رِيَاءً وَ سَمِعَهُ فَقَالَ يَبْنِي فَضُلًا عَلَى مَا يَكْفِيهِ اسْتِطَالَةٌ بِهِ عَلَى جِيرَانِهِ وَ مَبَاهَاةٌ لِإِخْوَانِهِ»، کسی که بنایی را به منظور خودنمایی و به گوش دیگران رساندن بسازد، خداوند این بنا را تا زمین هفتم درحالی که به صورت آتشی در گردن اوست، بر وی حمل می‌کند و او را در آتش می‌افکند. چیزی این شخص را از سقوط به قعر جهنم حفظ نمی‌کند؛ مگر اینکه توبه کند. عرض شد: ای رسول خدا!! از روی ریا و سمعه ساختن بنا به چیست؟ فرمود: اینکه انسان زاید بر نیاز خود و به قصد فخرفروشی بر همسایگان و مباحات نمودن به برادران خود بنایی را بسازد.^۳

اهمیت رعایت انگیزه‌های الهی در مسجدسازی تا آنجاست که در برخی روایت‌ها مسجدهایی نکوهش شده‌اند که با انگیزه‌های ناسالم بنا شده‌اند. امام باقر (علیه‌السلام) در مورد بعضی از مسجدهای کوفه می‌فرماید:

«جُدِّدَتْ أَرْبَعَةُ مَسَاجِدَ بِالْكُوفَةِ فَرَحًا لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ ع مَسْجِدِ الْأَشْعَثِ وَ مَسْجِدِ جَرِيرٍ وَ مَسْجِدِ سِمَاكٍ

۱. صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۴.

۲. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۴۴.

۳. وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۳۳۷.

وَمَسْجِدِ شَبْتِ بْنِ رَبِيعٍ، چهار مسجد در کوفه به انگیزه‌ی اظهار خوشحالی از شهادت امام حسین (علیه‌السلام) تجدید بنا شد: مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سَمَاک و مسجد شبت بن ربیع.^۱

در روایت دیگری این مسجدها را مساجد ملعونه نامیده‌اند؛^۲ زیرا نه تنها تجدید بنای آن با انگیزه‌ای ناسالم صورت گرفته است، بلکه از اساس بنیان اولیه‌ی آن با هدف تضعیف دین بوده است و ائمه (علیهم‌السلام) نماز گزاردن در آن‌ها را نهی کرده‌اند.^۳

۵. ویژگی‌های آبادکنندگان مسجدها

از نظر اسلام، مسجد مرکز عبادت، بندگی خدا و اجتماع فرهنگی مسلمانان است. از این رو، هم متولیان مسجد باید افراد صالح، شایسته و مؤمن باشند و هم برنامه‌هایی که در مسجد اجرا می‌شود باید سازنده، رشددهنده و آموزنده باشد. بنابراین، معماران و آبادکنندگان مسجدها باید اهل ایمان، تقوا و پرهیزکاری باشند، نه کسانی که اعتقادی به خدا و قیامت ندارند. اهمیت مسجد در جایگاه کانون حساس و مقدس ایجاب می‌کند فقط کسانی آن را تعمیر کنند که فضایی برجسته و شرایطی خاص داشته باشند.

قرآن کریم می‌فرماید:

«مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»، مشرکان - درحالی که خود بر کفر خویش گواهی می‌دهند - شایسته‌ی آن نیستند که مساجد خدا را آباد کنند. اعمال آن‌ها تباه و خود در آتش جاودانند. تنها کسانی مساجد خدا را آباد می‌کنند که به خداوند و روز قیامت ایمان داشته و نماز به پای دارند و زکات بدهند و جز از خدا نترسند. چنین کسانی امید است که از هدایت یافتگان باشند.^۴

از این آیه‌ها استنباط می‌شود که مشرکان و بیگانگان با دین اسلام حق ندارند در آبادی و تعمیر مسجدها شرکت کنند. معماران و متولیان مسجدها باید سه شرط داشته باشند:

۱. همان، ص ۲۴۸.

۲. همان، ج ۳، ص ۵۱۹.

۳. همان، ص ۵۲۰.

۴. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۸ و ۱۷.

الف) از نظر اعتقادی مؤمن به خدا و قیامت باشند؛

ب) از جهت عملی نماز را به پا دارند و اهل زکات باشند؛

ج) از لحاظ روحی شجاع و باصلابت باشند.^۱

مشركان پيش از نزول اين آيه در تعمير مسجدالحرام شركت مي كردند و با حضور در خانه‌ي خدا در ايام خاص و مراسم حج يا با پرداخت كمك‌هاي مالي، به رونق صوري و ظاهري خانه‌ي خدا كمك مي كردند؛ ولي اين آيه آنان را از تعمير مسجد منع كرد. اين تأكيد قرآن مجيد بر وجود شرط‌هايي خاص براي آبادكنندگان مسجد، دو جنبه‌ي فردي و اجتماعي دارد: اهميت آن از نظر فردي اين است كه آباد كردن مسجد بدون آن ويژگي‌ها عملي بي‌روح و پيكرى بي‌جان است كه در بارگاه ربوبي ارزشي ندارد. اهميت آن از بعد اجتماعي اين است كه مسجد نقش‌هاي مهم اجتماعي دارد؛ درنتيجه آبادكنندگان آن بايد انسان‌هايي صالح و برگزيده باشند تا مسجد بتواند نقش حياتي خويش را ايفا كند.

درمورد كيفيت آباد كردن مسجدها، رسول اكرم (صلى الله عليه وآله) به سؤال ابوذر پاسخ مي‌دهد:

«لَا يُرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ وَلَا يُخَاضُ فِيهَا بِالْبَاطِلِ وَلَا يُشْتَرَى فِيهَا وَلَا يُبَاعُ فَاتُرِكَ اللَّغْوُ مَا دُمَّتْ فِيهَا فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَا تَلُومَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَفْسَكَ»، در آن‌ها (مساجد) صدا بلند نشود، به سخنان و امور نادرست و بيهوده پرداخته نشود، در آن‌ها خريد و فروش صورت نگيرد و تا زماني كه در مسجد هستي از كارهاي لغو و بيهوده دست بكش. اگر چنين نكني، در روز قیامت نبايد كسي جز خودت را ملامت كني.^۲

۶. پرهيز كاران، سرپرستان مسجدها

علاوه بر آيه‌هاي ۱۷ و ۱۸ سوره‌ي توبه كه درباره‌ي آن سخن گفتيم، قرآن كريم در جايي ديگري و با بياني مختصر شرط‌هاي لازم را براي متوليان مسجدها ذكر کرده است:

«وَمَا لَهُمْ إِلَّا يَعْدُبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاءُؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»، چرا خداوند كفار و مشركان را عذاب نكند؟ درحالي كه آنان با وجودي كه سرپرست و متولي مسجدالحرام نيستند، راه آنان را بر بندگان خدا بسته و مانع از ورود

^۱. تفسير نور، ج ۵، ص ۳۳.

^۲. وسائل الشيعه، ج ۵، ص ۲۳۴.

مؤمنان به مسجدالحرام می‌شوند؟ سرپرستی مسجدالحرام تنها از آن انسان‌های متقی است؛ ولی بیشتر آن‌ها این را نمی‌دانند.^۱

تقوا شرط لازم این آیه است که می‌خواهد شرط‌های لازم برای متولیان مسجد را ذکر کند. نباید گمان ببریم که این آیه فقط درصدد بیان شرط‌های متولیان مسجدالحرام است؛ زیرا همه‌ی مسجدها به دلیل آنکه خانه‌ی خدا، محل تقوا و عبادت و کانون هدایت‌اند، متولیان پرهیزکار می‌خواهند. در واقع، تفاوت مسجدالحرام با دیگر مسجدها، فقط از باب شدت و ضعف است؛ یعنی اهمیت ویژه و موقعیت مسجدالحرام، اقتضا می‌کند متولیان و گردانندگان آن بسیار متقی باشند.

لزوم پیش‌بینی چنین شرط‌هایی برای متولیان مسجد، تاحدزیادی به نقش حیاتی و حساسی مربوط می‌شود که مسجد باید در جامعه‌ی اسلامی ایفا کند. اگر مسجدی بخواهد مرکز عبادت و بندگی خداوند متعال باشد و پایگاه جهاد فکری و کانون تعلیم و تعلم معارف اسلامی و همچنین هنگام جنگ و بروز خطر پایگاه تجمع رزمندگان باشد، باید متولیان و گردانندگان مؤمن، موحد و خداجو داشته باشد. قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مسجدهایی که متولیان و گردانندگان صالح و شایسته داشتند، توانستند به‌خوبی نقش اصیل خویش را در جامعه‌ی اسلامی ایفا کنند.

۷. حرمت نماز خواندن در مسجد منافقان

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَيَخْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»، و کسانی که مسجدی ساختند برای زیان به مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود، آن‌ها سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی و خدمت چیزی نداشته‌ایم؛ اما خداوند گواهی می‌دهد که آن‌ها دروغگو هستند، هرگز در آن (مسجد) به عبادت نایست!^۲

^۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۳۴

^۲. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۸ و ۱۰۷

اسلام نماز گزاردن در مسجدی را نهی کرده است که با هدف تضعیف دین بنا شده باشد. خداوند رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را به نماز گزاردن در مسجدی فرمان می دهد که از ابتدا بر بنیان تقوا پی ریزی شده باشد؛ در نتیجه روشن می شود نماز گزار نیز باید توجه کند در چه مسجدی نماز می گزارد. در مجمع البیان، در تفسیر آیه ی ۱۰۷ سوره ی توبه «وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ» آمده است: آن مسجد (ضرار) را برای بازگشت ابوعامر راهب ساخته و آماده کرده بودند (ابوعامر همان کسی است که قبلاً با رسول خدا جنگیده بود). داستانش چنین است که وی در جاهلیت جامه ی پشمی می پوشید و رهبانیت پیش گرفته بود؛ اما وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه رفت، بر آن حضرت حسادت کرد و احزاب را علیه ایشان بسیج کرد. او پس از فتح مکه به طائف گریخت و چون مردم آنجا مسلمان شدند، او به شام و از آنجا به روم رفت و مسیحی شد. ابوعامر پدر حنظله (غسیل الملائکه) است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را ابوعامر فاسق نامید. وی به منافقان پیغام داده بود: «خود را آماده کنید و مسجدی بسازید؛ زیرا من نزد قیصر رفته ام، با سپاهیان او آمده ام و محمد (صلی الله علیه و آله) را از مدینه بیرون می کنم!». منافقان منتظر برگشت ابوعامر بودند؛ اما او پیش از رسیدن به نزد پادشاه روم به هلاکت رسید. خداوند پیامبر خود را از نیت پلید و باطن کثیف منافقان آگاه کرد و رسول خدا در برگشت از غزوه تبوک، عاصم بن عوف عجلانی و مالک بن رخشم را فرستاد و فرمود: «به سوی این مسجدی که طرفدارانش ستمگرند بروید و آن را ویران کنید و بسوزانید». حضرت دستور داد محل آن را به زباله دانی و جای انداختن لاشه ها و مردارها تبدیل کنند.^۱

۸. استفاده از زینت هنگام ورود به مسجد

از جمله آداب مسجد زینت کردن خود هنگام ورود به آنجاست. قرآن کریم می فرماید:

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»، ای

فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید.^۲

مراد از همراه داشتن زینت در مسجد آن است که انسان هنگام حضور در مسجد، با زینت های نیکو و پسندیده، خود را بیاراید. البته، این کار برای نماز، طواف و سایر کارهایی است که جنبه ی یاد خدا دارد. پس این فرمان خدا در حقیقت به معنای مطلوب بودن زینت برای نماز و دیگر عبادت هاست؛ مانند نمازهای

^۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۱۰، به نقل از بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۵۲.

^۲. سوره ی اعراف، آیه ی ۳۱.

عید، جماعات یومیه و سایر عبادت‌ها.^۱

در نماز به دو نوع زینت نیاز داریم:

الف) زینت ظاهری: امام سجاد (علیه‌السلام) هنگام نماز زیباترین لباس خود را می‌پوشید و این آیه را تلاوت می‌کرد: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ».^۲

ب) زینت معنوی: زینت معنوی حالت خشوع در نماز است. امام علی (علیه‌السلام) فرمود: «الْحُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ».^۳ قرآن کریم در وصف مؤمنان می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ - الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»^۴، آنان کسانی هستند که در نماز خویش خشوع دارند.

این زینت کردن شامل لباس زیبا، بوی خوش، آراستگی و نظافت نیز می‌شود.^۵

۹. لزوم طهارت در رفتن به مسجد

یکی از آداب مسجد این است که فرد پیش از ورود به مسجد طهارت داشته باشد.

قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا...»^۶، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید و همچنین هنگامی که جنب هستید - مگر اینکه مسافر باشید - تا غسل کنید.^۶

در ذیل این آیه روایتی از امام باقر (علیه‌السلام) آمده است:

«أَنَّ مَعْنَاهُ لَا تَقْرَبُوا مَوَاضِعَ الصَّلَاةِ مِنَ الْمَسَاجِدِ وَأَنْتُمْ جُنْبٌ إِلَّا مُجْتَازِينَ»^۷، معنای آیه‌ی شریف «وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ» آن است که در حال جنابت به مساجد داخل نشوید، مگر اینکه بدون توقف تنها از آن عبور کنید.^۷

تردید نیست که مسجد در شریعت اسلامی مکانی مقدس و باعظمت است و هتک حرمت آن از

^۱. المیزان، ج ۸، ص ۷۹.

^۲. یکصد و چهارده نکته در باره‌ی نماز، ص ۱۲۸.

^۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۵۱ و بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۱۰.

^۴. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲.

^۵. رجوع شود به بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۷.

^۶. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۴۳.

^۷. وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۵ (البته این حکم شامل مسجدالحرام و مسجدالنبی نمی‌شود).

محرمات قطعی است و برخی از فقها تعظیم و بزرگداشت آن را واجب شمرده‌اند. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«عَلَيْكُمْ بِإِيَّانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بَيُّوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ آتَاهَا مُتَطَهَّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَكُتِبَ مِنْ رُؤَاغِهِ الْحَدِيثُ»، هنگام حضور در مسجد مراقب باشید! زیرا مساجد خانه‌های خداوند در زمینند. کسی که با حالت طهارت وارد مسجد شود، خداوند او را از گناهانش تطهیر می‌نماید و نام وی را در زمره‌ی زائران خویش می‌نویسد.^۱

در حدیث دیگری آمده است که با طهارت به مسجد رفتن از جمله اسبابی است که مایه‌ی جلب دعای خیر فرشتگان الهی در حق انسان مؤمن می‌شود. ابوسعید خدری می‌گوید:

«رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: آیا مایل هستید شما را به چیزی راهنمایی کنم که مایه‌ی پوشیدن و آمرزش گناهان و باعث افزایش حسنات و خوبی‌هاست؟ عرض شد: آری ای رسول خدا. فرمود: نیکو وضو گرفتن در سختی‌ها فراوان پیاده به مسجد رفتن و انتظار نماز کشیدن بعد از نماز، هر کس که با حالت طهارت از خانه‌ی خود خارج شود و نماز جماعت را با مسلمانان به‌جا آورد، آنگاه در مسجد منتظر برپایی نماز دیگری بماند، ملائکه‌ی الهی در حق وی دعا کرده و می‌گویند: خداوندا! او را بیمارز، خداوندا! او را رحمت فرما».^۲

۱۰. پیاده‌رفتن به‌سوی مسجد

قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»، آری ماییم که مردگان را زنده می‌سازیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند با آثار [و اعمال]شان درج می‌کنیم و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمرده‌ایم.^۳

در تفسیر مجمع البیان درباره‌ی این آیه آمده است:

مراد از آثار گام‌ها و قدم‌های مؤمنین به‌سوی مسجد است. سبب این تفسیر آن است که ابوسعید

۱. وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۰.

۲. همان.

۳. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۱۲.

خدروی روایت کرده است که بنی سلمه در منطقه‌ای از مدینه ساکن بودند. روزی از دوری خانه‌های خویش از مسجد و مشقت و سختی حضور در نماز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، به آن حضرت شکایت کردند، آنگاه این آیه نازل شد.^۱

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این چنین نقل شده است:

«إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ أَجْرًا فِي الصَّلَاةِ أْبَعَدُهُمْ إِلَيْهَا مَمْشَى فَأَبْعَدُهُمْ»، پاداش نماز کسانی بیشتر است که پیاده روی آنان به مسجد بیشتر است.^۲

در صورت امکان، انسان باید فاصله‌ی بین محل کار یا خانه تا مسجد را پیاده طی کند. درحقیقت، این کار ابراز نوعی بزرگداشت و تعظیم به صاحب خانه است. همان گونه که انسان هنگام وارد شدن به خانه‌های صاحبان فضیلت و بزرگان سعی می‌کند کوچک‌ترین کاری نکند که نشانه‌ی بی‌اعتنایی باشد، در مورد مسجد باید به این امر بیشتر توجه کرد. از این رو، اولیای الهی و صالحان، از سر تعظیم و اظهار تواضع به درگاه ربوبی، باینکه امکان سواره به حج رفتن را داشتند؛ ولی بارها فاصله‌ی کعبه تا محل اقامت خویش را پیاده طی کردند. در روایت‌های بسیاری پیاده‌روی به سوی مسجد را عملی پسندیده یاد کرده‌اند و آثار و فضایی نیز برای آن ذکر کرده‌اند. جابر بن عبدالله نقل می‌کند:

«كَانَتْ دِيَارَنَا نَائِيَةً عَنِ الْمَسْجِدِ فَأَرَدْنَا أَنْ نَبِيعَ بُيُوتَنَا فَتَقَرَّبَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَهَنَانَا رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله)، فقال: إِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ خُطْوَةٍ دَرَجَةٌ»، خانه‌های ما از مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) دور بود؛ لذا خواستیم خانه‌هایمان را بفروشیم و به مسجد نزدیک شویم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ما را از این کار نهی کردند و فرمودند: شما در برابر هر گامی که به سوی مسجد بر می‌دارید، درجه‌ای در نزد خدا دارید.^۳

در روایت دیگری آن حضرت فرمود:

«مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ مُجَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ»، کسی که به سوی یکی از مساجد پیاده حرکت کند،

^۱. مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۱۸.

^۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۲۰.

^۳. همان، ص ۳۲۱ و صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۶۸.

خداوند در مقابل هر قدمی که در مسیر رفت و برگشت بر می‌دارد به او ده حسنه پاداش می‌دهد و ده بدی را از او دور می‌کند و وی را دو درجه بالا می‌برد.^۱

منظور از ترفیع درجه و ارتقای مرتبه در این حدیث‌ها فقط پاداش و ثواب نیست؛ بل از آنجا که پیاده‌روی به سوی مسجد موجب تقویت روح تواضع و تحکیم جوهره‌ی عبودیت می‌شود، گویا مؤمن با گام‌هایی که به سوی مسجد بر می‌دارد، به درجه‌ی والاتری از عبودیت و در نتیجه تقرب به خداوند نایل می‌شود. البته، این امر منافاتی با فضل الهی و دادن پاداش و اجر اخروی ندارد. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «مَا عَبَدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّثْلَ الصَّمْتِ وَالْمَشْيِ إِلَى يَتِّهِ»، خداوند به وسیله‌ی هیچ عملی مانند سکوت و پیاده حرکت کردن به سوی خانه‌اش عبادت نشده است.^۲

منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه‌ی آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی.
- ۲- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی.
- ۳- الامالی، محمد بن علی بن بابویه قمی (صدوق).
- ۴- الامالی، شیخ طوسی.
- ۵- بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی.
- ۶- تفسیر جوامع الجامع، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی.
- ۷- تفسیر کبیر، فخر رازی.
- ۸- تفسیر مجمع البیان، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی.
- ۹- تفسیر المیزان، علامه طباطبائی.
- ۱۰- تفسیر نمونه، جمعی از دانشمندان زیر نظر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی.
- ۱۱- تفسیر نور، محسن قرائتی.
- ۱۲- الخصال، محمد بن علی بن بابویه قمی (صدوق).

^۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۰ و صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۲۶.

^۲. وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۰.

- ۱۳- رساله‌ی توضیح المسائل، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه.
- ۱۴- روضه الواعظین، فتال نیشابوری.
- ۱۵- سنن ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید قرینی.
- ۱۶- صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری.
- ۱۷- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری.
- ۱۸- صحیفه‌ی نور، مجموعه سخنان و رهنمودهای امام خمینی قدس سره .
- ۱۹- مستدرک الوسایل، میرزا حسن نوری طبرسی.
- ۲۰- مکارم الاخلاق، رسولزاده خویی.
- ۲۱- وسایل الشیعه، شیخ محمد حسن حر عاملی.
- ۲۲- یکصد و چهارده نکته از قرآن کریم درباره‌ی نماز، اکبر دهقان.
- منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد